

تردید ها به ارتباط قرار داد استخراج معدن مس عینک لوگر (قرار داد قابل قبول نیست)

گفته میشود مردم افغانستان فقیر، فلکزده و گرسنه، برثروتی به ارزش بالغ بر هزاران میلیارد دالر نشسته اند. یعنی ثروت بالقوه همطراز شیخ های عرب که مالک چاه های نفت عربستان میباشند. بخواهیم باور کنیم یا نه، کشوری که بالفعل یکی از فقیر ترین سرزمین های دنیا میباشد؛ که حتی برای تأمین نیاز های غذایی مردمش چشم براه کمک های خارجی است. بر علاوه معدنیات متعدد و قیمت بهای دیگر، مالک یکی از بزرگترین معادن فلز گرانبهای لیتیوم در جهان میباشد. فلزی که در ساخت باتری های تلفون موبایل (جیبی) و کمپیوتر های لپ تاپ مورد استفاده وسیع دارد. که فقط همین یک معدن افغانستان در سطح جهانی همان مرتبه و اهمیتی را داراست که عربستان سعودی در زمینه نفت دارد.

حالا اگر از امکانات و ثروتهای زیر زمینی کشور ما بوجه احسن و به نفع مردم و میهن ما استفاده مؤثر صورت پذیرد؛ در فاصله زمانی نه چندان دور فقر و بدبختی از سرزمین ما محو، و اگر هم مردم افغانستان به ثروت افسانه بی همطراز شیخ های عرب دست نیابند، بدون تردید سرزمین افغانها در جمله کشورهای مرفح دنیا بشمار خواهد رفت. گر چه دستیابی به این هدف، نه خواب و خیال و رویا، بلکه حقیقت خواهد بود. ولی متأسفانه که در راه رسیدن به آن موانع و مشکلات جدی نیز وجود دارد که به آسانی نمیتوان از آن چشم پوشی کرد؛ قرار ذیل:

۱- کشورهای همسایه، بخصوص حلقاتی در داخل جمهوری های اسلامی ایران و پاکستان به هیچ وجه حاضر به قبول افغانستان پیشرفته، مترقی و مضبوط در کنار شان نیستند. این حلقات پیوسته چشم طمع - شیطنت آمیز به تمامیت ارضی، منابع آبی و ذخایر زیر زمینی کشور ما دوخته، و روی همین ملحوظ جمهوری های اسلامی فوق الذکر طی سی سال اخیر پیهم در صدد تخریب حاکمیت ملی و زیر بناهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما بوده و در راستای اجرای این اعمال غیر اسلامی و غیر انسانی شان از هیچ عمل نابکارانه علیه میهن و مردم مسلمان ما حتی قتل و کشتار ده ها هزار هموطن بیگناه ما توسط مزدوران شان دریغ نورزیده اند.

این دوکشور طی نه سال اخیر در پهلوی بسیاری از افواها و شایعات تخریبکارانه و خود ساخته علیه حاکمیت مرکزی و موجودیت قوتهای کمکی صلح ملل متحد در میهن ما، پیوسته شایعه ای چون " موجودیت قوای نظامی ناتو و امریکا در امر مبارزه با تروریسم بین المللی و آوردن صلح، ثبات و دیموکراسی در این کشور فقط بهانه است؛ هدف همانا غارت منابع زیر زمینی افغانستان میباشد و بس؟" توسعه و پیهم آنرا دامن زده، و دامن میزنند. طوریکه این شایعه از زبان تعدادی از افراد خدایی خدمتگار و مریض در آنسوی اوقیانوس ها نیز شنیده میشود. درحالیکه امضای قرار داد استخراج معدن مس عینک لوگر با کمپنی ای که هیچ وابستگی به کشور های عضو ناتو ندارد، ثابت ساخت که اختیار کلی معادن و سرزمین افغانها در دست خود افغانهاست. نه در دست امریکایی ها و یا دیگران.

۲- عدم موجودیت دولت و حکومت مسؤولیت پذیر، متخصص، صاحب نظر و آگاه طی نه سال اخیر باعث آن شده است که افغانستان بهترین امکانات و فرصت ها را جهت نیل بطرف شگوفایی و ترقی از دست داده و بخصوص در امر استخراج معادن عظیم و سرسام آور کشور که آسانترین راه زدودن فقر و بیکاری در کشور میباشد. کمترین توجه صورت گیرد؛ و تنها کاریکه در این راستا اجرا شده است، فقط قرارداد استخراج مس عینک ولایت لوگر را میتوان نام برد، که این قرار داد هم دارای عیب ها و نواقص جدی در متن خود میباشد.

۳- تعدادی از هموطنان ما امضای قرار داد استخراج معدنیات کشور را با کمپنی های استخراج معادن کشور های صنعتی پیشرفته، به ضرر افغانستان دانسته و با همان ایده های تاریخ زده سده قبل که در آنوقت از منابع وابسته به سوسیالیسم و پکت شوروی وقت تبلیغ میکردید، جهت مقابله باحضور کمپنی های استخراج معادن وابسته به کشورهای غربی درکشور ما، حرفها و حدیث هایی را آغاز کرده اند. بدون شک این تعداد هموطنان عزیز ما شاید اینرا بدانند که اگر ما منتظر استخراج معادن کشور خود به شکل ملی توسط دولت باشیم؛ برای اجرای چنین کار بایست حد اقل دهه ها و یا یک قرن دیگر منتظر شویم. و با کمال تأسف که ما قبلاً یک چنین فرصت طلایی را در عصر جمهوری مرحوم محمد داوود خان از دست داده ایم. و حالا دیر است تا ما منتظر چنین یک فرصت احتمالی دیگر بمانیم. توجه نمایم که کشورهای نفت خیز شرق میانه فقط با عقد قرار داد استخراج معادن نفت شان با شرکت ها و کمپنی های خارجی استخراج نفت، موفق به بیرون کشیدن نفت شان از عمق هزاران متر در دل زمین شده و به ثروتهای افسانه بی دست یافته اند. حالا ما هم با در نظر داشت بسیاری از کمبود های که در زمینه داریم؛ جهت

استخراج معادن خود جز مراجعه و عقد قرار داد با کمپنی های خارجی راه دیگری سراغ نداریم. ولی در صورتیکه مواد عقد قرار با چنین کمپنی ها واضح، روشن و کاملاً به نفع مردم ما باشد. اما به ارتباط عقد قرار داد استخراج معدن مس عینک لوگر با کمپنی ام. سی. سی کشور چین یا [میتالورژیکل چاینه کارپوریشن] و نواقص موجود در متن قرار داد مذکور.

قبل از پرداخت به این مسئله لازم به یاد آوریست که به اساس سروی های صورت گرفته، مقدار مس خالص در معدن عینک لوگر در جایی بیست میلیون تن و در جایی هم سیزده میلیون تن بر آورد شده است. اگر از بین دو عدد فوق الذکر یک رقم تقریباً وسطی یعنی عدد ۱۷ میلیون تن را انتخاب کنیم و به اساس نرخ موجود مس در بازار یعنی ۸۰۰۰ دالر فی تن مس آنرا محاسبه نمائیم ارزش تخمینی معدن مذکور به یکصد و شش میلیارد دالر میرسد. کمبودات، نواقص جدی و غیر قابل انکار را در متن قرار داد استخراج معدن مس عینک لوگر، امضاً شده میان وزارت معادن و صنایع افغانستان و کمپنی ام. سی. سی را طور خلاصه چنین میتوان بر شمرد.

اولاً، تا آنجا که بنظر میرسد کمپنی های استخراج معادن، چه در کشور موطن و چه در کشورهای ثانی با بهره ۴۹ مقابل ۵۱ در صد وارد معامله میشوند. یعنی اینکه تمامی امور استخراج، تولید و پروسس از طرف کمپنی استخراج معدن صورت گرفته و درحالیکه نمایندگان و ناظران کشور صاحب معدن نیز تمامی امور را از نزدیک تحت نظارت دارند؛ از عاید بدست آمده و فروش جنس استخراج شده ۴۹ فیصد به کمپنی استخراج معدن و ۵۱ فیصد هم به کشور صاحب معدن تعلق میگیرد.

ولی در تمامی مواد قرار داد استخراج معدن عینک لوگر با کمپنی چینیایی همچو چیزی بنظر نمیرسد. ثانیاً، در قرار داد امضا شده میان طرفین افغانی و چینیایی تذکار بعمل آمده است که کمپنی چینیایی ام. سی. سی طور ابتدایی سالانه به مقدار ۲۰۰ هزار تن مس از معدن مذکور استخراج خواهد کرد و در آینده مقدار استخراج را سالانه تا ۵۰۰ هزار تن مس بالا خواهد برد. و افغانستان از درک استخراج، فروش و مالیه مس سالانه مبلغ چهار صد میلیون دالر عاید خواهد داشت. حالا با در نظر داشت نرخ فعلی مس در بازار های بین المللی در مرحله اول سالانه به ارزش یک میلیارد و شش صد میلیون دالر و در مرحله دوم به ارزش چهار میلیارد دالر مس از افغانستان وارد بازار های جهانی خواهد شد. و از پول حاصله فروش مس، سالانه در مرحله اول یک چهارم و در مرحله دوم یک دهم حصه آن به مردم افغانستان تعلق خواهد گرفت. از طرفی هم رقم چهار صد میلیون دالر سالانه عاید افغانستان در حالی نامبرده میشود که مالیات مس نیز جزء عاید مذکور تذکار رفته است، که اگر رقم مالیات را منفی چهار صد میلیون دالر نمائیم، در نتیجه عاید مردم افغانستان از درک فروش مس پائینتر از مقدار یک چهارم و یک دهم عاید بدست آمده خواهد بود. با وجود این درحالیکه نرخ فلز مس مثل دیگر فلزات در بازار های بین المللی پیوسته در حال صعود است؛ چرا عاید مردم افغانستان از درک فروش و مالیه مس طور ثابت سالانه چهار صد میلیون دالر پیشبینی شده است؟

ثالثاً، چه مقدار پولی که شرکت مذکور در امر استخراج معدن مس عینک سرمایه گذاری نموده است مربوط به خودش است؛ ولی در اول تصور میشد که ملحقات کمک رسانی در امر استخراج معدن مذکور چون خدمات ترانسپورتی و غیره نیز جزء همان قرار داد سه میلیارد دالری خواهد بود. ولی اخیراً قرار داد دیگری میان وزارت معادن و صنایع افغانستان و کمپنی ام. سی. سی به ارتباط تمدید و اعمار خط آهن از شمال بجنوب افغانستان، به امضا رسید که به اساس آن افغانستان با استفاده از کریدت بانک انکشاف آسیایی مبلغ چهار میلیارد دالر باید به کمپنی چینیایی جهت اعمار خط آهن مذکور بپردازد. و بعید نخواهد بود که جهت اعمار فابریکه تولید برق با استفاده از سوخت ذغال سنگ جهت تأمین برق وسائل ذوب مس باز هم مبلغ دیگری به جانب چینیایی پرداخت خواهد شد.

رابعاً، از نقطه نظر تخنیکی چون تأمین آب و برق برای دستگاه های استخراج و ذوب مس - نیز نواقص جدی به نظر میرسد. زیرا در صورتیکه سرزمین افغانستان دارای دریا ها و آبشار های خروشان بوده و دارای امکانات زیاد در امر تولید برق آبی میباشد؛ چرا مسئولین افغانی قبول کردند که کمپنی چینیایی جهت تأمین برق. وسایط استخراج و ذوب مس، فابریکه تولید برق با سوخت ذغال سنگ را روی دست گیرد؟

همچنان در حالیکه برای سرد سازی دستگاه های ذوب مس در جریان کار بمقدار آب وافر ضرورت است باز هم مسئولین چرا جهت مهار آب دریای لوگر جهت تأمین آب فابریکه مذکور و تأمین آب برای زمین های زراعتی مسیر دریای لوگر، اعمار و ساختمان بند آبگردان در دشت خروار لوگر را [که سروی و دیزاین بند مذکور در دوران جمهوریت شهید سردار محمد داوودخان کاملاً اجرا و کاپی آن شاید در وزارت امور پلانگذاری موجود باشد]. بالای کمپنی چینیایی نه قبولاندند؟ زیرا در صورت نبود بند آبگردان بزرگ و استفاده وسیع فابریکه مذکور از آب جاری دریای لوگر دهقانان و زمینداران مسیر دریای لوگر که آب زراعت شان از دریای مذکور تأمین میشود، به خاک سیه خواهند نشست.



خامساً، در فابریکات ذوب فلزات جهت بدست آوردن فلز خالص مقدار زیادی فضله کوره مس slag نیز تولید میشود. حالا در قرار داد واضح نگردیده است که سهم افغانستان از فضله

کوره مس slag تولید شده فابریکه ذوب مس عینک چه مقدار خواهد بود. زیرا کشور ویران شده افغانستان جهت اعمار راه هایش به فضله کوره مس slag اشد ضرورت دارد. و همین طور کمبودات دیگر.

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم طوری بنظر میرسد. که امضا کنندگان افغانی قرار داد مذکور با آنکه تعداد زیادی از کمپنی های بین المللی در زمینه داوطلب بودند؛ و بدون شک چنه زنی های زیادی هم در مورد صورت گرفته است؛ چرا به نکات ارائه شده فوق توجه نکرده اند. یا اینکه اصل چنه زنی ها بالای هشتصد ملیون دالر

پیشپرداخت و یا به اصطلاح سرقلفی معدن مذکور، و معاملات پشت پرده رشوه دهی و رشوه گیری بوده است، نه منافع مردم و ملت افغانستان. و اگر چنین باشد، امضای قرار داد معدن مذکور با کمپنی ام. سی. سی. چینایی قابل قبول نیست. و ضرور بنظر میرسد تا کمپنی مذکور کارش را متوقف و دولت افغانستان پول پیشپرداخت شده را دوباره به کمپنی چینایی مسترد؛ و استخراج معدن مس عینک لوگر را مجدداً به داوطلبی گذارد.

مسئولین دولت افغانستان ایماناً و وجداناً مکلف اند تا مطابق به ستندرد های بین المللی و تأمین منافع مردم افغانستان به صورت هرچه بهتر و خوبتر، به هر کمپنی که حاضر به قبول شرایط طرف افغانی باشد، بعد از مفاهمه همه جانبه با طرف مقابل، متن قرار داد را قبل از امضا به اطلاع مردم افغانستان رسانیده و بعد از توافق پارلمان و هیأت باصلاحیت تخنیکی وزارت معادن و صنایع، در حصه امضای آن- دوباره با کمپنی چینایی و یا هر کمپنی دیگر اقدام ورزد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ